

نوا

با برگزاری ارکستر ملی ایران اتفاق می افتد کنسرت پری زنگنه در نیاوران

گروه هنر؛ کنسرت پری زنگنه در نیاوران، ارکستر ملی ایران به رهبری اسماعیل واتقی و خوانندگی امیرمحمد تفتی در تالار وحدت و کنسرت مهدی یراحی در برج میلاد از جمله خبرهای مهم موسیقی در مردادماه ۹۷ است.

پری زنگنه در فرهنگ‌سرای نیاوران

پس از دو سال سکوت، کنسرت پری زنگنه ویژه بانوان در سالن خلیج فارس فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار خواهد شد. بخشی از این کنسرت به بازسازی خاطرات آهنگین اختصاص یافته است. همچنین در بخش دیگر کنسرت آثار کلاسیکی اجرا خواهد شد که آهنگ‌سازان مطرح با توجه به جنس صدای پری زنگنه برای این خواننده ساخته‌اند. پری زنگنه از جمله خوانندگانی است که آهنگ‌سازان بنامی همچون بابک بیات، فریدون شهبازیان، مجید انتظامی، تورج شعبانخانی و علیرضا افکاری با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد صدای وی قطعاتی را خاص این هنرمند ساخته‌اند. در این کنسرت نازلی بخشایش به عنوان نوازنده پیانو، پری زنگنه را همراهی می‌کند.کنسرت پری زنگنه روزهای ۱۸ و ۱۹ مرداد ساعت ۱۵ در سالن خلیج فارس فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار خواهد شد. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به سایت ایران‌کنسرت یا گیشه فرهنگ‌سرا مراجعه کنند.زنگنه فارغ‌التحصیل شاخه اپرا از هنرستان عالی موسیقی (کنسرواتوار عالی موسیقی تهران) است. از جمله فعالیت‌های او می‌توان به کار روی موسیقی محلی و فولکلوریک ایران اشاره کرد. بازسازی علمی ترانه‌های بومی و محلی ایران و اجرای آن به سبک کلاسیک از کارهای شاخص او به شمار می‌رود.زنگنه همچنین در نظر دارد به‌زودی مسترکلاسی ویژه بانوان در فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار کند.

ارکستر ملی ایران با رهبری اسماعیل واتقی

ارکستر ملی ایران با رهبر میهمان اسماعیل واتقی و خوانندگی امیرمحمد تفتی ۲۹ مردادماه ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت اجرا می‌شود.در این اجرا قطعات: اورتور جهان پهلوان، چهار مضراب برای دو سنتور و ارکستر و فانتزی برای تار و ارکستر با آهنگ‌سازی و تنظیم اسماعیل واتقی - قرار و اختیار دل و ماتم سرو به آهنگ‌سازی عارف قزوینی و تنظیم اسماعیل واتقی - کیه کیه در میزنه، شیوه نوشین‌لبان، زلف شکن‌شکن، شب مهتاب، تمناى دل، بت چین به آهنگ‌سازی شیدا و تنظیم اسماعیل واتقی، توسط نوازندگان ارکستر نواخته می‌شود.اسماعیل واتقی در سال ۱۳۲۵ در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در تهران به پایان رساند. پس از ورود به هنرستان موسیقی ساز سنتور را نزد حسین ملک، ارفع اطربی، محمد حیدری و فرامرز پایور ادامه داد و هم‌زمان ساز تنبک را نزد حسین تهرانی و محمد اسماعیلی فراگرفت. در رشته آهنگ‌سازی وارد دانشکده موسیقی هنرهای زیبای تهران شد و از محضر استادانی چون هرمز فرهت، محمدتقی مسعودیه، علیرضا مشایخی و توماس کرستین‌داوید بهره برد.

یراحی درمیلاد

مهدی یراحی روز ۲۶ مرداد و به میزبانی برج میلاد تهران و به همت شرکت «فرهنگ گستر صبا» با دوستان‌دارن خود دیدار می‌کند. فروش بلیت‌های کنسرت او از طریق

سایت ایران‌کنسرت انجام می‌شود.مهدی یراحی در این برنامه قرار است برای اولین بار تک‌قطعات جدیدش نظیر «حیک» را در تهران اجرا کند و گفته‌شده سورپرایزهایی را هم برای برخی قطعاتش تدارک دیده است.آخرین کنسرت مهدی یراحی در تهران شهریور ۹۶ برگزار شد که آن برنامه بازتاب زیادی داشت. اولین برنامه او پس از انتشار قطعه فیلم سینمایی «بیست‌ویک روز بعد» بود و به همین دلیل پرفرورس‌هایی را با حضور برخی بازیگران آن فیلم تدارک دیده بود. البته او برای چند قطعه دیگرش در آن کنسرت هم نمایش‌هایی با حضور هنرمندان دیگر اجرا کرد که مورد توجه مخاطبانش قرار گرفت. همچنین در آن کنسرت پس از سال‌ها مهدی یراحی از «مهرزاد صفریان» دعوت کرد که روی صحنه حاضر شود و با نوازندگی پیانو او قطعه «هر جای دنیایی دلم اونجاست» را بخواند.مهدی یراحی در ادامه‌ تور کنسرت‌ش هایش را در سایر نقاط ایران برگزار کرد تا اینکه قطعه عربی «حیک» را در واپسین روز سال ۹۶ به همراه یک موزیک‌ویدئو ارائه کرد. فضای متفاوت این کار نسبت به آثار عربی گذشته و دیگر قطعات یراحی و همچنین ویدئوی آن باعث شد تا اثر اثر برای چند وقت در میان آثار برگزیده اسفند ۹۶ و فروردین ۹۷ باشد.

در پهنه فراخ یک رود، قله‌وسنگ‌های زیادی می‌آیند و با فشار آب رونده و چهنده می‌روند و زیبا اگر باشند، می‌نویسند یا می‌گویند که سنگی چنین و چنان از اینجا زمانی گذشته است، همین. یک سنگ‌هایی اما چنان سنگین و برصلا‌بت‌اند که آب رونده تکانشان نمی‌دهد، می‌سایدشان، از رنج روزگار لطیف می‌کندشان، اینها می‌ایستند و گذر قله‌وسنگ‌ها را ناظرند. رود را به نشانه همین سنگ‌های سنگین مانا می‌شناسند. امضا و نشانه پیکره رود بلند می‌شوند. زمانه و دوران خود را آیینگی می‌کنند که اگر زمانی دوره‌ای را بخواهیم بشناسیم یا ببینیم یا بخوانیم سراغ از آنها می‌گیریم، مسعود کیمیایی ۷۷ ساله شده است. می‌بینم او را که در این سن، مانند آن سنگ سنگینی است که هیچ آب زلال یا گل‌آلودی نتوانسته است تکانش دهد، گردی از سپیدی است فقط بر موهایش که سایش رنج روزگار است. او، در به‌هم‌رساندن دو خط موازی مردم و روشنفکران یک استثنا بوده است. در تاریخ این خاک، پسند مردم، پسند روشنفکران نبوده است. هر چه را مردم پسندیده‌اند، روشنفکران نخواسته‌اند و هرچه را روشنفکران پسندیده‌اند، مردم نخواسته‌اند. مسعود کیمیایی و فیلم‌هایش استثنای این دוגانه ابدی بوده‌اند. از «قیصر» به‌عنوان نماد تیبیک فیلم‌های کیمیایی می‌گویم. «قیصر» در زمانه‌ای ساخته شد که جامعه ایرانی از هجوم وحشیانه نموده‌ای ظاهری مدرنیسم وارداتی کلافه و بیزار بود. روشنفکرانی که درست یا غلط، برابر این مدرنیسم وارداتی، خود را بی‌سلاح و تهیدست می‌دیدند، پناه بر سنت‌ها بردند و جستن این «سنت» یا «بازگشت به خویشتن» در «فیلمفارسی»‌ها از اساس غلط بود، چراکه نبود چنین چیزی در آنها. فیلم «کنج قارون» به‌عنوان نماد «فیلمفارسی» در راستای همان مدرنیسم وارداتی حکومتی است و تماشای آن و دیگر هم‌مسلكانش برای روشنفکران محلی از اعراب نداشت و عامه مردم نیز دیگر از آبگوشت و رقص و بشکن و بالابنداز خسته بودند و دلزده.

اینجاست که اهمیت درک زمانه از سوی فیلم‌سازی خوش‌فکر و جوان، خود را به رخ می‌کشد. کیمیایی در «قیصر»، روح زمانه خود را شناخته است.

نگاه و سمت‌وسوی قیصر، با تمام انتقاداتی که در دوره‌های بعد به آن وارد شد، نگاهی است منطق با روشنفکری روز خود، نگاهی همسو با همان «بازگشت به خویشتن» یا بازگشت به سنت‌ها؛ سلاحی که سلاح روشنفکران آن دوران است و درعین حال قیصر، گویی نیاز مردمان

زمانه خود نیز هست و این وصال دو خط موازی مردم و روشنفکران، در سینمای کسی مانند او تبلور داشته است، نه کسان دیگر. ازاین‌رو بسیاری سینماگران روشنفکر پساموج‌نو نیز، در عرصه ظهور به «قیصر» و کیمیایی مدیون‌اند. نگاه چپ‌گری روشنفکران آن دوران بیش از هر

گفت‌وگو با مهدی نصیری، نویسنده و کارگردان نمایش «این قصه را با من بخوان»

دنیای داستان‌های ابوتراب خسروی را دوست دارم



کروه هنر؛ گفت که نمایش‌نامه اقتباسی آزاد از داستان است؟

رمان «رود راوی» و «اسفار کاتیان» ابوتراب خسروی نوشته‌ام. دلپیش این است که دنیای داستان‌های ابوتراب خسروی را دوست دارم. وقتی این داستان‌ها را می‌خوانم، ذهن و فکر و احساسم با جادوی جهان قصه و واژه‌ها و کلمات و ادبیات آن درگیر می‌شود و لذت می‌برم. با خودم می‌گویم این جهانی است که ابوتراب خسروی آن را ساخته. شاید او هم این جهان را از جایی یا نسخه‌ای خاطره‌ای یا هر چیز دیگری اقتباس کرده باشد، نمی‌دانم. من این جهان را بیش از اندازه دوست دارم. عاشق آن فضای آزاد و سیال و نامحدود هستم که جادوی کلمات ابوتراب خسروی به وجود می‌آید. اعتراف می‌کنم که من چنین جهانی را در ذهنم ندارم، اما به‌شدت عاشق آن هستم؛ پس از آن استفاده خیلی کرده‌ام. آدم‌های دیگری را وارد این جهان می‌کنم و داستان خودم را هم در آن می‌سازم. حالا من یک درام نوشته‌ام. این اثر ویژگی‌های یک اثر هنری مستقل را دارد.

ک داستان و آدم‌های درام شما چقدر وارد جهانی که می‌گویید متعلق به ابوتراب خسروی است، شده است؟

خیلی زیاد و به مرور. از زمانی که تصمیم به نوشتن تمرین گرقتم تا روزهای تمرین و تا آخرین روز اجرا این اتفاق می‌افتد. ما جهان قصه‌ای را که ابوتراب خسروی نوشته است تبدیل به جهان دراماتیک کرده‌ایم. درواقع بخش‌هایی انتقال پیدا کرده و مؤلفه‌هایی هم جایگزین شده است. آنجا که نیاز به طرح و توطئه دراماتیک، رابطه‌سازی، شخصیت‌پردازی و ایجاد وضعیت دراماتیک بوده شخصیتی را خلق کرده‌ام. قصه دیگری را به آن افزوده‌ام. حالا «این قصه را با من بخوان» درام من است. مستقل و آزاد از داستان، اما اقتباس شده از آن.

هنر

در ستایش ۷۷ سالگی «مسعود کیمیایی»

اهمیت درک زمانه

سینما خزیمه



زمانه خود نیز هست و این وصال دو خط موازی مردم و روشنفکران، در سینمای کسی مانند او تبلور داشته است، نه کسان دیگر. ازاین‌رو بسیاری سینماگران روشنفکر پساموج‌نو نیز، در عرصه ظهور به «قیصر» و کیمیایی مدیون‌اند. نگاه چپ‌گری روشنفکران آن دوران بیش از هر

فیلم‌سازی در فیلم‌های کیمیایی است که تبلور دارد. کیمیایی همسو با نگاه روشنفکران، به مظاهر آن مدرنیسم حقه‌شده دهان‌کچی می‌کند. انکار که بخواهد قله‌وسنگی را از کفش پاشنه‌خوابیده قیصر، برابر سینما رادیوسیتی آن دوران و مردمان اهل آن سینما به بیرون بپراند. در قیصر، کیمیایی زن مینی‌ژوپ‌پوش رقصا را دختر پایین‌شهری چادربه‌سر می‌کند، قهرمان یک‌ه‌زن خوش‌تنیی را که هوای وصال دختران پولدار را در سر دارد، به صدق‌قهرمان پایین‌شهری پاشنه کفش خوابیده‌ای تبدیل می‌کند که از قضا یک‌ه‌زن هم نیست، کتک هم می‌خورد! بعدها در «رضاموتوری» به هجو و تمسخر فیلمفارسی‌ها می‌رسد و نگاه روشنفکرانه خود را که رنگ‌وبویی از تلخی حقیقت دارد، با دست خورین «رضاموتوری» بر پرده سینما به اثبات می‌رساند.

از ارتقای سطح کیفی زیباشناسی فیلم‌های سینمای ایران بعد از «قیصر» هم نمی‌گویم. فقط از اهمیت تاریخی آثار سینماگری می‌گویم که عنوان «فیلم‌ساز» عنوان کوچکی است برایش، چراکه او با آثارش در تاریخ و فرهنگ و اجتماع ایرانی ردی از خود برجای گذاشته است. این زمانه‌شناسی را کیمیایی در دوره‌های مختلف از خود نشان داده است. از اواخر دهه ۴۰ تا اواخر دهه ۵۰، هر فیلم کیمیایی سندی است بر شناخت زمانه خود. آن دوران جامعه ایرانی را جز در فیلم‌های او، در فیلم‌های چه کسی می‌توان جست؟ در دهه‌های بعد هم او داشته است فیلم‌هایی که دست نوازشی بر سررویشان نکشیده‌اند، بعدها اما دانسته‌اند که آنها نیز آینه دوران خود بوده‌اند و غریب اینکه خون گرم در آثار او هیچ‌گاه فیلم‌هایش را به فیلم‌های انقض‌سازار دوره‌ای که فقط بازتاب دوران خود هستند و در دوره‌های بعد، بی‌مصرف می‌شوند، تبدیل نکرده است. فیلم‌هایش هم آینه زمانه و دوران خویش‌اند، هم مانند همان سنگ سنگین در پهنه فراخ رودخانه که خود اوست، مانا و تاریخی و ابدی‌اند. سفر این سنگ به ۷۷ سالگی‌ای چنین محترم و تاریخی به ما و انتهایی که ارزش سنگ رنج دوران خورده را با قله‌وسنگ‌های آمده و رفته در این رود تاریخ می‌دانند مبارک باشد. او به راستی ۷۷ ساله محترمی است.

روایت متفاوتی دارد. کاین جهانی که از آن صحبت می‌کنید، در اجرا چقدر به وجود آمده است؟

از روز اول که گروه تمرین‌هایش را شروع کرد، به همه گفتم این نمایش‌نامه یک متن معمولی نیست. نمی‌توان فقط با طراحی دکور، طراحی میزآنسن، آهنگ بیان و تعریف حرکات درست این جهان را خلق کرد. خلق این دنیای رموز و جادویی نیازمند به‌وجودآوردن اتمسفر و روحی است که بازیگران نتنها با آهنگ بیان و خطکشی‌های میزآسن و حرکت، بلکه با تکثیر عواطف و احساساتشان باید آن را به وجود بیاورند. برای خلق این فضای عاطفی عمیق و انتقال آن از صحنه به تماشاکر باید جادوی این جهان رویاگونه را بازیگران هم کشف و خلق کنند؛ آنها هم باید این جهان را دوست داشته باشند و در آن غرق شوند که وقتی یوسف، زنش را با واژه‌ها و کلمات می‌سازد و رنگ چشم‌هایش را آن‌طورکه می‌خواهد عوض می‌کند و به بهترین رنگی می‌رسد که دوست دارد و واقعی است، واقعا این اتفاق باید در صحنه جان بگیرد و از خیال به واقعیت تبدیل شود. قهرمان نمایش زنی را که عاشق اوست، با خیال و رویا می‌سازد و جزئیات تن او را چنان جادووار خلق می‌کند که تماشاکر هم در کار این آفرینش با او شریک می‌شود. اگر این اتفاق نیفتد، آن فضای جادویی و آن جهان متفاوت رویا رنگ‌وبود نمی‌کند و تماشاکران را نمی‌بیند.

دوست دارد و واقعی است، واقعا این اتفاق باید در صحنه جان بگیرد و از خیال به واقعیت تبدیل شود. قهرمان نمایش زنی را که عاشق اوست، با خیال و رویا می‌سازد و جزئیات تن او را چنان جادووار خلق می‌کند که تماشاکر هم در کار این آفرینش با او شریک می‌شود. اگر این اتفاق نیفتد، آن فضای جادویی و آن جهان متفاوت رویا رنگ‌وبود نمی‌کند و تماشاکران را نمی‌بیند.

ک فکر می‌کنید این فضای جادویی در صحنه خلق می‌شود؟

داستان به نمایش‌نامه متفاوت است. آنچه در نمایش‌نامه پرداخته شده به ما اجرا تفاوت دارد. این جهان لذت‌بخش و عاشقانه و غریب در بهترین شکلش در داستان ابوتراب خسروی نیز هست. تمام تلاشم را کردم که وارد درام هم بشود. مطمئنم در نمایش‌نامه هم وجود دارد، اما اجرا وابستگی زیادی به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها دارد. در اجرا دکور، نورپردازی، موسیقی، اتمسفر و روح حاکم بر اجرا و از همه مهمتر بازیگران هستند که هم در کنار هم با یک ضرب‌آهنگ متناژ و تأثیرگذار بر هم باید این جادوی رویا را بسازند. در این مرحله بازیگرها هم باید این جهان را عاشقانه دوست بدارند تا در آن جان بگیرند و به آدم‌هایش جان بدهند.

ک فکر می‌کنید این نمایش چقدر می‌تواند در اجرا موفق باشد؟

راستش شرایط اجرای نمایش چندان که می‌خواستیم برابیمان فراهم نبوده است. از مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری بابت حمایت از تولید این اثر خیلی ممنونیم، اما به‌جز این‌ واقعا تنها بوده‌ایم. امیدوارم اجرای خوبی داشته باشیم و بتوانیم آنچه را می‌خواسته‌ایم، اجرا کنیم و امیدوارم نمایش در اجرا موفق باشد.

زیر آسمان فیروزمای

مرجان ریاحی، داور جشنواره سینمای مستقل فیلیپین



گروه هنر؛ مرجان ریاحی به‌عنوان داور چهاردهمین جشنواره سینمای مستقل فیلیپین «سینمالایا» به این کشور سفر خواهد کرد. این جشنواره به رقابت فیلم‌های مستقل سینمایی، کوتاه، تجربی، مستند و انیمیشن اختصاص دارد. این مستندساز و فیلم‌نامه‌نویس که مدیر و مؤسس «پایگاه خبری فیلم کوتاه» است، یکی از اعضای هیئت داوران بنیاد توسعه سینمای آسیا و اقیانوسیه «تتیک» در این جشنواره خواهد بود. مرجان ریاحی در بیش از ۲۴ جشنواره جهانی به‌عنوان رئیس هیئت داوران یا داور حضور داشته است؛ از جمله می‌توان به رئیس هیئت داوران آسیایی در پانزدهمین جشنواره «شب‌های سیاه» تالین استونی، رئیس هیئت داوران بخش فیلم کوتاه هفدهمین جشنواره کودکان «فیل طلاپی» حیدرآباد هند، رئیس هیئت داوران آسیایی جشنواره فیلم‌های فانتزی «پوچنون» در کره‌جنوبی، داور جشنواره «زول»، فرانسه، جشنواره زنان «هرات» در افغانستان، جشنواره «چشم سوم» در هندوستان، جشنواره «زوم» در لهستان و آکادمی «گردن‌آف» در لهستان و... اشاره کرد. چهاردهمین جشنواره فیلم‌های مستقل فیلیپین «سینمالایا» سوم تا دوازدهم آگوست برگزار می‌شود.

نامزدهای جایزه نمایش‌نامه‌نویسی و ترجمه «عنوان»

گروه هنر؛ مسابقه ملی نمایش‌نامه‌نویسی و ترجمه نمایش‌نامه سومین جشنواره خصوصی تئاتر عنوان، نامزدهای این رقابت را در دو بخش جایزه سیروس ابراهیم‌زاده و جایزه نادعلی همدانی معرفی کرد. دبیر سومین جشنواره خصوصی تئاتر عنوان نامزدهای نهایی مسابقه ملی نمایش‌نامه‌نویسی جایزه سیروس ابراهیم‌زاده را معرفی کرد. محمدباقر نباتی‌مقدم، دبیر سومین جشنواره خصوصی تئاتر عنوان، در گفت‌وگوی اختصاصی با درگاه استانی ایران‌تئاتر در اردبیل با اعلام این خبر افزود: مهدی نصیری، آرش عباسی و جهانشیر یاراحمدی پس از ارزیابی دقیق ۶۳ متن نمایشی رسیده از سراسر کشور به دبیرخانه این مسابقه ملی نمایش‌نامه‌نویسی، ۱۰ اثر را به‌عنوان نامزدهای دریافت جایزه استاد سیروس ابراهیم‌زاده معرفی کرده‌اند. وی گفت: لایک، نوشته محسن عطیمی از کرمانشاه؛ تهوع، نوشته سمیه خواجوند از مازندران؛ تاریکخانه، نوشته سعید افخمی از اردبیل؛ بی‌خداحافظی، نوشته سعید محبی از استان مرکزی؛ مری‌های برای تازه‌عروس، نوشته محمد فخرایی از بوشهر؛ برزخ، نوشته حامد فیهمی از بوشهر؛ آیاترید، نوشته مسعود محمدی‌قبرلسو از اردبیل، من رودخانه‌ای را می‌شناسم که با دریا قهر است و به مرداب ریخت، نوشته فرامرز غلامیان از خوزستان؛ آه دل ننه‌ترکس و حوا، نوشته علی حسن‌زاده از اردبیل و هایو و نازی و گوشت خورده‌شده، نوشته اکبر محمدی از اردبیل؛ نامزدهای دریافت جایزه بخش نمایش‌نامه‌نویسی سومین جشنواره خصوصی تئاتر عنوان هستند که ازسوی هیئت داوران معرفی شده‌اند. نباتی‌مقدم با ق‌دردانی از همه شرکت‌کنندگان در بخش‌های مختلف این جشنواره تئاتری، افزود: مراسم اختتامیه بخش‌های نمایش‌نامه‌خوانی، اجراهای صحنه‌ای و پرفورمنس، نمایش کودک و بزرگسالان و نیز بخش آثار پژوهشی و مطبوعاتی در شهر اردبیل و در نگارخانه ختایی برگزار می‌شود.

معرفی نامزدهای جایزه نادعلی همدانی

همچنین نامزدهای مسابقه ملی ترجمه در این رقابت نیز معرفی شدند. هیئت داوران جایزه نادعلی همدانی متشکل از اصغر نوری، مهدی نصیری و آیدین فرنگی پس از ارزیابی ۱۶ ترجمه نمایش‌نامه راه‌یافته به بخش مسابقه، پنج مترجم را به‌عنوان نامزدهای دریافت جایز مسابقه ملی ترجمه نمایش‌نامه معرفی کردند.

فهرست نامزدهای مسابقه ملی ترجمه:

ابو در زنجیر، نوشته آلفرد زاری، ترجمه مزده علیزاده، استان اصفهان؛ داستان باغ‌وحش، ترجمه داوراد آلبی، ترجمه محمد نورالدینی و طاهیا والی‌زاده، استان تهران؛ ونوس در خن، نوشته دیوید آیوز، ترجمه مزده علیزاده (استان اصفهان) و امین حیدری (استان گیلان)؛ جان، نوشته آتی بیکر، ترجمه پریسا رستمی‌بالان، استان آذربایجان شرقی و کتلیتا، نوشته هنریک ایبسن، ترجمه یاسمن طالبی‌صومعه‌سرای، استان تهران. مراسم معرفی برگزیدگان بخش‌های صحنه‌ای، نمایش‌مهرموس و پرفورمنس و پژوهش و آثار مطبوعاتی سومین جشنواره خصوصی تئاتر عنوان چندی پیش در اردبیل برگزار شد. نقرات برگزیده و شبایشه تشویق جایزه‌های نمایش‌نامه‌نویسی و ترجمه نمایش‌نامه نیز در مراسمی در تهران و با حضور هنرمندان تئاتر تجلیل خواهند شد.